

تجزیه و تحلیل مثنوی فارسی «گومگو» از پیر مهر علی شاه گولروی Analysis of Persian Masnavi "Goo Magoo" by Pir Mehr Ali Shah

هما انجم

دانشجوی اسبق پیش دکتری دانشگاه نمل

شگفته یسین عباسی

استادیار گروه فارسی ، دانشگاه نمل ، اسلام آباد

Abstract:

Syed Mehr Ali Shah was born in 1859 AD. He had a sufficient command on four languages like Persian, Urdu, Arabic and Punjabi. He wrote different books in three languages such as Persian, Urdu and Punjabi. He also has a poetry's book named as Mera'at ul-Irfan, in which he expressed his sentiments in said three languages. In this article, an attempt has been made to discuss his longest Masnavi, "Goo Magoo".

چکیده :

سید مهر علی شاه گولروی در سال 1859 م به دنیا آمد. وی ولی مادر زاد بود چون از بچگی چیزهای خارق العاده ای از وی پدید می آمد. وی بر چهار زبان فارسی ، اردو ، عربی و پنجابی تسلط کافی داشت به همین سبب وی به سه زبان یعنی فارسی ، اردو و پنجابی کتاب های مختلف نگاشته است . وی دارای یک کتاب منظوم بنام مرآة العرفان است و در آن کتاب وی به سه زبان اردو ، فارسی و پنجابی طبع آزمائی کرده است . درین مقاله سعی شده است که بلند ترین مثنوی وی که به بنام « گومگو» معروف است . سخن به میان بیاوریم .

کلید واژه ها : پیر مهر علی شاه ، کلام فارسی ، مثنوی گومگو ، اصطلاحات صوفیانه ،

مقدمه

اگر به تاریخ نگاه بیاندازیم راجع به سرزمین شبه قاره این امر واضح است که اینجا دین مبین اسلام توسط اولیا و متصوفان گسترش یافته است . بسیاری از این شخصیات والایی از راه دور به این سرزمین رو آورده بودند مانند عثمان بن علی هجویری معروف به داتا گنج بخش که از غزنه (افغانستان امروزی) به لاهور تشریف آوردند و ساکن اینجا شدند و هزاران نفر در اثر فیضان و تعلیمات داتا گنج مشرف به اسلام گشتند. البته سید مهرعلی شاه گولروی اهل همین جا بود و چون که ولی مادر زاد بود به این دلیل وقتی که فتنه ای که توسط میرزا غلام احمد قادیانی درین سرزمین رخ نمود این شخصیت بزرگ سید مهر علی بود که می توانست این فتنه را از ریشه برکند. شایسته ذکر است که میرزا غلام احمد خود را نبی کاذب معرفی کرده بود ولی پیر مهر علی او را به کلی شکست داده ازین فتنه جلوگیری نموده بود و برای مردم آشکار ساخته بود که این مرد کذاب است .

زندگینامه پیر مهر علی شاه

سید مهر علی شاه گولروی در سال 1859 م در ماه رمضان المبارک بروز دوشنبه چشم به جهان گشود. عهد تحصیلات ایشان به خرد سالی آغاز شد. خادمی ایشانرا بدوش برداشته به مدرسه می برد. حافظه اش خیلی خوب بود. درسی که بار اول می خواند یا می شنید اصلاً فراموش نمی کرد. یاد گرفتن علم صرف و نحو در گولره آغاز کرد و سپس نزد مولانا محمد شفیق قریشی به «بهوئی»¹ رفت. در درسهایی بهوئی بر همه دانشجویان از دسترس علمی سبقت برد. بعد از تکمیل تحصیلات در بهوئی پیش مولوی سلطان محمد در انگه² ، شاه پور رفت. برای درس در انگه قریباً دو و نیم سال سکونت اختیار کرد.

در آن زمان برای دسترس علوم دین و فلسفه و منطق از اساتید هند استفاده می کردند. چون مدرسه های معروف در علی گره ، دیوبند ، دهلی ، رام پور و لکهنو وجود داشتند و بسیاری از علمای معروف و نابغه روزگار در آن مدرسه های دینی می آموختند. بنابراین وی نیز برای تحصیلات عالی در علم فقه ، حدیث و تفسیر قرآن مسافرت به هند اختیار کرد. وی در سن بیست سالگی به شهر خویس برگشت. در 1295 هـ وقتی که دوره علوم ظاهر و رسمی تمام شد. در گولره آغاز درس و تبلیغ و ارشاد کرد اولاً پنجاه نفر به حلقه درس ایشان وارد شدند و کسب فیض کردند.

بیعت از شمس الدین سیالوی : وقتیکه در هند تحصیل علوم ظاهری به پایان رسانید، سید گولروی به وطن خویش مراجعت فرمود و در خدمت شمس الدین سیالوی حاضر شده بدست ایشان شرف بیعت یافت.

حالت استغراق و وفات : در حدود سن هفتاد و دو سالگی آثار وضعی در بدن سید مهر علی شاه ظاهر شد. در سالهای اخیر زندگی بیماری ضعف معده / دل بیشتر شده بود. و روز بروز حالت استغراق و مشاهده حق افزون شده بود. اما در آن حال هم به ارادتمندان توجه می کرد. سید مهر علی شاه روز 11 مئی در سال 1937 هـ واصل بحق شد و در گولره شریف مدفون گردید.

آثار پیر مهر علی شاه

سید مهر علی شاه نه فقط بر علوم ظاهری و باطنی دسترس داشتند بلکه برچهار زبان فارسی ، اردو و پنجابی و عربی نیز تسلط داشتند.

1. منطقه حسن ابدال
2. منطقه نوشهره

به همین دلیل ایشان به سه زبان یعنی فارسی ، اردو و پنجابی دارای آثار منثور و منظوم می باشد که به قرار زیر می باشد :

➤ **آثار اردو:** سید مهر علی شاه به زبان اردو پنج کتاب تالیف نموده است که به قرار زیر می باشد:

1. شمس الهدایه فی اثبات حیات مسیح 2. سیف چشتیائی . 3. فتوحات الصمدیه

4 . تصفیه ما بین سنی و شیعه 5. فتای مهریه

➤ **آثار منثور فارسی:** از آثار منثور فارسی سید مهر علی شاه گیلانی چهار کتاب در دست داریم: تحقیق الحق فی کلمه الحق 2 اعلاء کلمه الله فی بیان ما اهل به لغير الله..3. هدیة الرسول

4 . ملفوظات مهریه

➤ **آثار منظوم:** سید مهر علی شاه از سخنوران و شاعران عارفانه معروف زمان خود بود. اگرچه طبیعتاً شاعر نبود ولی باز هم شعرشان پرمغز و تاثیر والایی دارند . وی مهر تخلص می کرد و دارای یک اثر منظوم می باشد. که « **مراه العرفان**» نام دارد. این اثر مشتمل بر سه زبان ، فارسی ، پنجابی و اردو است . کتاب مذکور که در دسترس است حاوی بر چهل صفحه است و در 2006م منتشر شد. شعرش شامل موضوعات تصوف و عرفان می باشد . ازین ترتیب کتاب مذکور به سه قسمت منقسم می شود: 1 - **شعر فارسی 2 - شعر پنجابی 3 - شعر اردو**

کلام منظوم فارسی ایشان کاملاً شعر عرفانی است که حاوی بر دو مثنوی عرفانی و منظومه هایی به عنوان نعت و مناجات ، مدحت خواجه شمس الدین سیالوی و غزل عرفانی می باشد.

سبک شعر فارسی:

سید گولروی شاعر اخیر سده بیستم است. اما شعرش به شیوه شعر کلاسیک و سنتی است . اغلب سبک شعرش نزدیک به سبک عراقی می باشد چون از اشعار مولانا و حافظ شیرازی خیلی تحت تاثیر قرار گرفته بود با این همه می توان در شعرش رنگ شبه قاره را دید چون وی در لابه لای اشعارش از کلمات و واژگان هندی و اردو و حتی پنجابی استفاده نموده است . بخش فارسی اثر منظوم سید مهر علی شاه را می توان به دو قسمت تقسیم کرد:

قسمت اول مشتمل بر دو مثنوی به نام مثنوی « **بورا** » و مثنوی « **گومگو** » است و قسمت دوم دارای منظومه های مختلف می باشد .

به دلیل طوالت مقاله شایسته ذکر است که مقاله مورد نظر ما چون راجع به مثنوی گومگو است بنابراین اینجا فقط مثنوی گومگو را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

مثنوی گومگو:

گومگو مثنوی معروف سید مهر علی شاه که مملو از مطالب عرفانی است. این دارای یکصد و نود و سه شعر می باشد. مثنوی مذکور به روش مثنوی معنوی نگاشته شده است و از شعرهای مثنوی مولانا نیز بطور تضمین استفاده شده است.

عنوان و سبب نگارش

محرک نگارش مثنوی این بود که محرم علی چشتی¹ در سال 1908 مقاله ای راجع به ویژگی آموزش و اصلاح فرهنگ اسلامی نوشت و برای تقریظ بخدمت حضرت گولروی ارسال نمود. «وی در ضمن تقریظ بر آن نوشت که این رساله ای موسوم به «گومگو» از محرم علی چشتی ملاحظه کردم، این در بیان حقیقت محتوا و بیان مطالب بی نظیر می باشد. برادران اسلام را لازم است که این مقاله را بخوانند و در مطالب و مفهوم این تأمل و فکر کنند»²

بنابراین می توان گفت که این مثنوی در تأثیر آن مقاله به نگارش درآمده بود و نشانگر وضعیت سید مهر علی شاه است که بعد از مطالعه آن مقاله ایجاد شده بود. وی عنوان این مثنوی را نیز به مناسبت مقاله محرم علی چشتی، «گومگو» انتخاب کرده بود.

تجزیه و تحلیل «گومگو»

مثنوی فوق الذکر راجع به رشد و هدایت اهل ایمان است به همین علت درین مثنوی آیات قرآنی، حدیث، ترکیبات عربی، تلمیحات و اصطلاحات به وفور به چشم می خورند. همچنان که بالا هم ذکر رفته که مثنوی مذکور تحت تأثیر مثنوی مولانا روم سروده شده است. به این علت در خیلی جاها از شعرهای مثنوی معنوی بطور تضمین استفاده شده است.

بررسی عناصر مثنوی:

شعرهای مثنوی را به ترتیب عناصر زیر مورد بررسی قرار می دهیم:

• شعرهای راجع به محرم علی چشتی

1. ایشان در 11 اوت 1864م در لاهور متولد شد. بعد از تحصیلات علوم دینی، زبان انگلیسی را یاد گرفت. از حیث سیاستمدار، قانون دان، ادیب و صحافی و کارهای دینی شهرت خاصی داشت. او به عهده دبیر کل انجمن نعمانیه لاهور نائل آمد. وی به اولیای الله ارادت داشت. ایشان اول مرید شاه مستان قابلی بود بعداً در حلقه ارادتمندان سید مهر علی شاه وارد شد. در گولره چندین سال سکونت اختیار کرد. از فیض روحانی سید مهر علی شاه بهره مند شد.

2- تجلیات مهر انور، گردیزی، شاه حسین، 1992م، ص 819

در آغاز شعرهایی آورده شده اند که در وصف محرم علی چشتی سروده است

مرحبا ای بلبل بستان چشت
هر دم از اسلام و اهلش این
صداست
باز گو از گومگو آن سرنوشت
این بیان نیک چشتی را سزااست

فیض یاب از بارگاه احمدی
کی مقابل با تو تاند همسری
جرعه بر دهریه هم فلسفی
مستمد از شیخ عبدالقادری
(شاه، 2006، ص30)

در شعرهای مذکور محرم چشتی را بنام بلبل بوستان چشت مخاطب کرده است
. او از علم و دانش و جرأت میان مردم معروف و مقبول بود. چنان که
از شعرهای فوق ظاهر می شود.

راجع به محرم علی چندین شعر دیگر آورده شده است:

زان شدی موسوم با محرم علی
چون محرم با علی هم خوانده
محرمی زان عالم سر و خفی
از برایت حال نیکو رانده اند
اند

یعنی هتک عزت کرده حرام
آن علی غالب ذوالاحترام
(همان، ص 31)

در شعرهای فوق وصف حضرت علی کرده است نیز توسط حضرت علی محرم علی
را مورد تکریم قرار داده است.

• استفاده از آیات قرآنی :

در بیان مطالب عرفانی از آیات قرآنی به کثرت استفاده شده است. گاهی
آیت را بطور تضمین بکار برده است و گاهی بطور تلمیح مثلاً
جرعه از فیض مستان الست¹ زیر بردون همتان سکان پست
(همان، ص 30)

تا الست از وی شنوی این
زمان
هم بلی آری مجیبا بر زبان
(همان، ص 38)

در هر دو شعر اشاره به آن آیتی است که در عالم ارواح خداتعالی از
ارواح آدمها میثاق گرفته بود.

عَلَمَ الْأَسْمَاءِ² طراز جان تست
از کمالت گر ملک آگاه بدی
اُسْجُدُوا لِأَدَمَ³ هم اند شان تست
کی اتجعل⁴ گفته خود رسوا شدی

¹ - الأعراف : 172

² - البقره / 31

³ - همان / 34

⁴ - همان / 30

(همان، ص 34)

در شعرهای بالا به طرف سه آیت اشاره شده است و در هر سه آیت اشاره به واقعه ای راجع به علم آدم آورده است .

فهم کن انا الیه راجعون¹ ابتداء و انتهایت شد همون
دوست دیدارش که محبوب ماست و رفعا لک ذکرک² را سزاست
ما رمیت اذ رمیت³ زین بود لیک نی هر کس سزای این بود
ذاک فضل منه⁴ - الله یصطفی⁵ من یشاع من عباده یا اخی

(همان، ص 35)

در شعر بالا از دو آیت استفاده شده است که در پا ورقی به آنان اشاره شده است .

9 - کرده با جاوک نوط از ولو خوان تا رحیما⁶ آیتش
اجابتش

10 - از دهن های خلائق شد معنی اذکرکم⁷ هان ای مهربان
عیان

ظرف اذکر اذ نیست⁸ کی بود منسی و مذکور هر گاه وی بود
مالک الملکی والله احد لم یلد لم یولد الله الصمد
لم یکن احد لک کفوا و لم⁹ لیس شیئا مثلک یا ذالکرم¹⁰

(همان، ص 36)

در دو شعر فوق سه مصرع راجع به سوره اخلاص است و آخرین مصرعه مشتمل بر آیتی از سوره شوری است که حاوی بر صفات الله تعالی است .

خلقت ما کردی از ماء مهین احسن التقویم¹² کردی ذو
الیقین¹¹

1- همان / 156

2 - الشرح / 4

3 - الانفعال / 17

4 - المائدة / 54

5 - الحج / 75

6 - النساء / 64

7 - البقره / 152

8 - الکهف / 24

9 - الخلاص

10 - الشوری / 11

11 - السجده / 3

12 - التین / 4

(همان ، ص 37)

راجع به تخلیق آدم در یک شعر از دو آیت استفاده شده است
کل شئی هالک¹ مشهود عین
باشدت آن دم رهی از غین و
شین

(همان، ص 38)

درین شعر اشاره به آیت و کار بردی اصطلاحات صوفیه نیز به چشم می
خورد

بینی او را اندرین آینه ها
ثم وجه الله² بفهمی بی خطا
(همان)

از افول آمد منزله شمس دین
غیرش آفل لا احب الافلین³

(همان ، ص 39)

• کاربرد اصطلاحات صوفیه :

سید مهر علی شاه عارف کامل زمان خود بود به همین علت زبان
شعرش نکته شناس عرفان اسلامی است و در نظر گرفتن اصطلاحات عارفانه و
صوفیانه وی می گفت که شعر عارفانه خاصه شعر مهر علی شاه است. در
زیر چند بیت از مثنوی گومگو آورده می شود که مبنی بر اصطلاحات و
اشارات صوفیه اند:

جرعه از فیض مستان⁴ الست .

ای تونارسته ازین فانی
تو چه دانی صحو⁵ و سکر⁶ و
رباط
انبساط

(همان ، ص 32)

سکر و صحو درجه مستی عارف است که در آن حال او به راز و حقیقت حق
تعالی جرعه می کشد

لوح محفوظت شود مشهو عین
از چه محفوظ است محفوظی ز
شین

1 - القصص / 88

2 - البقره 115

3 - الانعام 76

4 - اشاره به طرف مرشد محرم چشتی ، خواجه مستان شاه کابلی
کابلی

5 - هوشیاری ، در اصطلاح رجوع به احساس پس از غیبت ،

فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی ، سجادی ، جعفر ، ص 527

6 - مستی اهل معرفت که مانند غیبت است . نجات الانس ،

توحیدی پور ، مهدی ، ص 642

(همان)

مراد از عین ذات اقدس است و شین استعاره از شر و بدی است .
تو نه ماندی چونکه بس گو کیست این
قد ظهر المتین

(همان)

در مصرعه دوم از واژه های ترکیبات عربی استفاده کرده معنای عرفانی بیان کرده است.

خاصه در انسان که نوع آخر کون¹ او جمله جهان را حاضر
است

زین جهت عالم صغیرش² گشته فالعوالم اربعه بنگر تمام
نام

در شعرهای فوق گفته شده است که درین جهان انسان عالم صغیر است هرچه در جهان وجود دارد ، در انسان هم وجود دارد.

جمله اسماء را تو مرأت زان خلیفه و مظهر ذات آمدی
آمدی

آمدی از دور لیک ای خوش گوی بردی از ملک یا مرحبا
لقا

در توصیف آدمها می گوید که انسان مظهر ذات خدای متعالی است
عالمی را از عدم کردی بدر آفریدی جمله را از خیر و شر
لیس فی الفیضین³ یا رب یرجع الشین الیک لا و لا
العلی

در شعرهای فوق از کلمات عربی مطالب عرفان را واضح کرده است . اینجا اشاره به تجلی الهی است. « تجلی حق بر دو گونه است : اول تجلی علمی غیبی که تجلی ذاتی حبی نیز خوانده شد و به فیض اقدس تعبیر گشته است دوم تجلی شهودی وجودی که به فیض مقدس نامیده شد »⁴

1 - همان

2 - همان

3 - فیض اقدس و فیض مقدس

4 - محی الدین ابن عربی ؛ جهانگیری ؛ محسن ، 1375 ش ، ص 37

9 - گاه بینی عین ثابت¹ را
ینصبغ بصفات او اندر قدم
عدم
(همان، ص 38)

موضوع شعر عین ثابت است
لا یصح عندک فی ذلک الشهود
شمت الاعیان رائحة
الوجو²
د
(همان)

درینجا اشاره به قول صوفیاء است که اعیان ثابتہ هرگز بوی وجود
نکشیده است . حالانکه عین ثابتہ عکس نور خدا است .
اشاره به حدیث نبوی : در مثنوی مذکور اشاره به حدیث قدسی نیز چشم به
خورد

تا به او یعقل به او یبطش شوی
هم بدو یمسح بدو یبصر
شوی³

(همان، ص 32)

خلاصه حدیث قدسی است که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که وقتیکه بنده
از ادای نوافل قرب الهی می یافت، محبوب اومی گردد. و از چشم او می
بیند ؛ از گوش او می شنود، از زبان او می گوید و اگر از خدای متعال
سوالی کند خدا به او عطا می کند و اگر از خدا پناه می خواهد او به
التزام به او پناه می دهد

• استفاده از تلمیحات

شعرهای «گومگو» از تلمیحات گوناگون نیز مزین است

مثلاً

حب دل داری به خواجه
مات فی حب⁴ الاله او راست شان
خواجگان
(همان، ص 30)

اشاره به واقعه ای ، وقتیکه معین الدین اجمیری وفات یافت بر
پیشنانی او از طرف خدا نوشته آمد که حبیب الله مات فی حب الله
زان حدیث راه پر خون می
قصه های عشق مجنون می کنی

1- صور علمی اشیاء ست که از ازل آزال در علم حق بوده و
تا ابد آباد نیز همچنان ثابت خواهند ماند. محی الدین ابن

عربی ، جهانگیری ، محسن ، ص 371

2- « الاعیان ما شمت رائحة الوجود» تحقیق الحق فی کلمه

الحق ، گولروی ، مهر علی شاه ، 2012 م ، ص 117

3 - حدیث قدسی صحیح بخاری جلد 2

4 - اخبار الاخیار مع مکتوبات ، دهلی ؛ عبدالحق محدث ،

2015 ، ص 23

(همان، ص 31)

کنی

در شعر فوق اشاره به عشق حقیقی محرم چشتی است
گاه وجود خاص دانی مر ورا پس انا الحق در سرائی بر ملا
(همان، ص 38)

در شعر فوق اشاره به منصور حلاج است
این زمان جان دامنم بر بوی پیراهان یوسف یافت است
تافت است
در شعر مذکور اشاره به طرف واقعه حضرت یوسف شده است.

• کاربرد کلمات و ترکیبات عربی:

بسیاری از شعرهای مثنوی گومگو دارای کلمات و ترکیبات عربی اند

: مانند

کل لهم قولا بلیغاً لینا و لهم بین بیاننا هینا
(همان، ص 30)

در این شعر نصیحت به محرم چشتی است که به بزرگان خود گفتگوی نرم و
بلیغ می کرد

جود حق کرده ترا مختص به ذاک فضل من اله العالمین
دین

جد لهم بالنصح و الحسن وراها هم عن عقیدات الضلال
المقال
(همان، ص 30)

این دو شعر در مورد احترام به بزرگان است
دیگر:

فلسفی در ماهی¹ عمرش تیر شد وانکه جز ماهی است ز آبخ سیر
شد

(همان، ص 31)

تو چه دانی سر این را ای چون ندانی کل شئی فی کل شئی
عم²

شعر راجع به اصطلاح صوفیه است که همه اوست
یا محیط الكل خلاق الوری ظاهری و باطنی در دو سرا
تو محیطی کی محاط ما شوی علمنا کیف علیک یحتوی
(همان، ص 36)

¹ - ماهیت : ماهیة ، حقیقت ، چشتی - فرهنگ روز سخن ،
انوری ، حسن 1383 ش ، ص 1089

² - اعمی : کور ، نبینا ، فرهنگ فارسی ، معین 1364 ؛ ج :
1 ؛ ص 306

شعر فوق در صفات الهی است . در شعر دوم آورده است که آدم چه طور ذات خدا را درک کند که حدود علم و وصف او را احاطه ممکن نیست
لم جعل الشر شراً باطل از تخلله هنالك عاطل
(همان، ص 37)

راجع به شر بیان کرده است که شر باطل است و خدا اینرا به سببی به وجود آورد

لم جعل الشر موجوداً بدان خیر ذاتی هست و شر عارض بدان
(همان)

• تضمین شعرهای مثنوی معنوی

در بیان مطالب مثنوی «گومگو» سید مهر علی شاه از تضمین شعر استفاده کرده است .

مثنوی گومگو تحت تاثیر مثنوی مولانا روم به نظر می رسد در زیر شعرهای مثنوی معنوی که از آن تفهیم مطالب «گو مگو» تقویت گرفت:

1 - جود محتاج است خواهد همچنان که توبه خواهد تاییبی طالبی

2 - جود می جوید گدایان و هم چون خوبان کائینه جویند ضعاف صاف

3 - روی خوبان ز آینه زیبا روی احسان از گدا پیدا شود شود

4 - چون گدا آینه جود است دم بود بر روی آینه زیان¹ هان
(همان، ص 31)

5 - من چه گویم یک رگم هشیار شرح آن یاری که آنرا یار نیست²

6 - از همه اوهام و تصویرات نور نوراً نور نوراً نور نور³ دور
(همان، ص 32)

8 - گفت لیلی را خلیفه کان کز تو مجنون شد پریشان و غوی تویی

9 - از دگر خوبان تو افزون گفت: خامش چون تو مجنون نیستی نیستی

1. رومی ، دفتر اول ، ص 311

2. همان ، ص 55

3. همان ، دفترششم ، ص 214

- 10 - دیده مجنون اگر بودی
ترا
هر دو عالم بی خطر بودی ترا¹
(همان، ص33)
- 11 - سینه خواهم شرحه شرحه
از
تا بگویم شرح درد اشتیاق
باز جوید روزگار وصل خویش²
- 12 - هرکسی کو دور ماند از
اصل
می خرامم در نهایت الوصال³
- 13 - من شدم عریان ز تن او
از
خیال
باده جان را قوامی دیگر است⁴
(همان، ص 34)
- 14 - بحث جان اندر مقام
دیگر
است
مه به بالا دان نه اندر آججو⁵
- 15 - « اسم خواندی رو مسمی
را
ارجعی بر پای هر قلاش نیست»⁶
- 16 - اذکرو الله کار هر اوباش
نیست
فانی است ودست او دست خداست⁷
(همان، ص 35)
- 17 - آن دعای شیخ نی چون هر
دعاست
تا در آید در تصور مثل او
- 18 - در تصور ذات او را کنج
کو
گردلیلت باید از وی رو متاب⁸
- 19 - آفتاب آمد دلیل آفتاب
مدتی این مثنوی تاخیر
شد
مهلتی بایست تا خون شیر شد⁹
(همان، ص38)

ذکر اولیاء در اشعار:

1. همان ، دفتر اول ، ص 84
2. همان ، ص 41
- 3- همان ، دفتر ششم ، ص 444
- 4- همان ، دفتر اول ، ص 190
- 5- رومی، دفتر اول ، ص 380
- 6- همان ، دفتر چهارم، ص 314
- 7- همان ، دفتر پنجم ، ص 229
- لازم به تذکر است که در مثنوی بجای دست او ، گفت او نوشته شده است .
- 8- همان ، دفتر اول ، ص 54
- 9- همان ، دفتر دوم ، ص 21

در آخر به این نتیجه می‌رسیم که سبک مثنوی گومگو سبک عراقی است چون درین مثنوی بسیاری از آیات قرآنی، اصطلاحات صوفیه، اصطلاحات و ترکیبات عربی استفاده شده است. بسیاری از شعرهای مثنوی معنوی مولوی بطور تضمین استفاده شده است. چون که سید گولروی به شعر مولانا روم علاقه خاصی داشت. علاوه بر این در مثنوی گومگو بعضی از کلمات نیز در شیوه محلی و شبه قاره ای آورده شده است. مثلاً کلمه «پان» در شبه قاره بمعنی «بلی» بکار می‌رود و در همین معنا استفاده شده است نیز یای بزرگ هم به چشم می‌خورد در حالی که یای بزرگ در فارسی مستعمل نیست.

منابع و ماخذ

1. القرآن
2. انوری، حسن (1383ش) فرهنگ روز سخن، تهران، کتابخانه ملی ایران.
3. جهانگیری، دکتر محسن (1375ش) محی الدین ابن عربی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
4. چشتی، علامه مشتاق احمد (2010) آئینه معرفت، مکتبه درگاه غوثیه، اسلام آباد.
5. دهلوی، عبد الحق محدث (2015) اخبار الاخیار، لاهور النوریه الرضویه پبلیشنگ کمپنی
6. رومی، مولانا جلال الدین (2019) مثنوی معنوی مولوی، دفتر اول، دوم، چهارم، پنجم، ششم، مترجم قاضی سجاد حسین، انتشارات الفیصل، لاهور.
7. سبحانی، توفیق (1391) نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، تهران.
8. فیض، احمد فیض (2009م) مهر منیر، ضیاء القرآن پبلیکیشنز، لاهور.
9. گردیزی، شاه حسین (1992م) تجلیات مهر انور، مکتبه گولره شریف.
10. لاهوری، غلام سرور (1290ق) خزینة الاصفیاء، لکهنؤ.
11. معین، دکتر محمد (1364) فرهنگ معین، ج 1، تهران امیرکبیر.
12. مهر، علی شاه (2006)، مرآة العرفان، انتشارات پرنٹ پروفیشنلز، لاهور.



ISSN Online : 2709-4030
ISSN Print : 2709-4022

Vol.8 No.2 2024
